



Analysis and evaluation of the dimensions and quality of the mechanisms of social inclusion of the disable In Iran's protective laws

Mohsen Kermani ¹

1. Corresponding Author, Researcher of Islamic Council Research Center; Email: m.kermani.n@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 02-05- 2023

Received in revised form:

22-05-2023

Accepted: 11-11-2023

Published online: 11-11-2023

Keywords:

disabled people, social participation, social exclusion, social in.

ABSTRACT

In the paradigm shift that has taken place in the literature of social support, disabled people have turned from dependent people who need help to talented and capable people who have been exposed to isolation and social deprivation through the exclusion mechanism. Therefore, instead of supporting and helping the disabled, governments are usually advised to provide the conditions for their access to social opportunities and participation in various fields of society in the form of social integration policy. In this regard and considering the significant population of disabled people in the society, the evaluation of policies and protective laws from the perspective of social inclusion as a social issue has been the focus of this research. The research method is document analysis and its statistical population is the Comprehensive Law for the Protection of the Rights of the Disabled (approved 1383) and the Law for the Protection of the Rights of the Disabled (approved 1396). According to the findings of the research, almost all aspects and components of social inclusion in the economic, political, social, cultural and spatial contexts have been taken into consideration in the law for the protection of the rights of the disabled. This is despite the fact that economic, cultural and spatial dimensions were considered in the comprehensive law for the protection of the rights of the disabled. However, in terms of the quality of social inclusion, there is not much difference between the level and ceiling of participation determined in both laws. Because, from the point of view of Arnstein's participation ladder, both laws are placed at the level of partial participation.

Cite this article: Kermani, M. (2023). Analysis and evaluation of the dimensions and quality of the mechanisms ... *Journal of Social Problems of Iran*, 14 (1),185-202.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

تحلیل و ارزیابی ابعاد و کیفیت سازوکارهای ادغام اجتماعی معلولان در قوانین حمایتی ایران

محسن کرمانی^۱ ✉^۱. نویسنده مسئول، پژوهشگر مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، رایانامه: m.kermani.n@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

کلیدواژه‌ها:

معلولان، مشارکت اجتماعی، طرد

اجتماعی، ادغام اجتماعی.

در چرخش پارادایمی صورت گرفته در ادبیات حمایت اجتماعی، معلولان از افرادی وابسته و نیازمند کمک به افرادی مستعد و باظرفیت تبدیل شده‌اند که به واسطه مکانیسم طرد در معرض انزوا و محرومیت اجتماعی قرار گرفته‌اند. لذا، به جای مقوله حمایت-گری و کمک به معلولان، معمولاً به دولت‌ها توصیه می‌شود تا در قالب سیاست ادغام اجتماعی شرایط را جهت دسترسی ایشان به فرصت‌های اجتماعی و مشارکت در عرصه‌های مختلف جامعه فراهم کنند. در این راستا و با توجه به جمعیت قابل توجه معلولان در سطح جامعه ارزیابی سیاست‌ها و قوانین حمایتی از منظر ادغام اجتماعی به مثابه یک مسئله اجتماعی مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته است. روش پژوهش تحلیل اسنادی و جامعه آماری آن قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۸۳) و قانون حمایت حقوق معلولان (مصوب ۱۳۹۶) است. بر حسب یافته‌های پژوهش در قانون حمایت از حقوق معلولان تقریباً تمام ابعاد و مؤلفه‌های ادغام اجتماعی در زمینه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان بیشتر ابعاد اقتصادی، فرهنگی و فضایی مورد توجه قرار گرفته بودند. با این حال، از نظر کیفیت ادغام اجتماعی تفاوت چندانی میان سطح و سقف مشارکت تعیین شده در هر دو قانون مشاهده نمی‌شود. زیرا، از زاویه دید نردبان مشارکت آرنشتاین هر دو قانون در سطح مشارکت جزئی قرار می‌گیرند.

استناد: کرمانی، محسن. (۱۴۰۲). تحلیل و ارزیابی ابعاد و کیفیت سازوکارهای ادغام اجتماعی معلولان در قوانین حمایتی ایران؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۴(۱)، ۱۸۵-۲۰۲.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۳ میلادی حدود ۱,۳ میلیارد نفر در جهان معلولیت و ناتوانی قابل توجهی را تجربه می‌کنند. به عبارتی ۱۶ درصد از جمعیت جهان یا به تعبیری ۱ نفر از هر ۶ نفر ما معلول و کم‌توان است. با این وصف، «معلولان را می‌توان بزرگترین گروه اقلیت در جهان» قلمداد نمود. بر اساس گزارش سازمان بهزیستی کشور تعداد ۱ میلیون ۶۰۰ هزار معلول در پایگاه اطلاعاتی این سازمان ثبت شده‌اند.^۱ البته، این آمار به دلیل آن که اطلاعات همه معلولان کشور در پایگاه سازمان بهزیستی کشور ثبت نگردیده، آمار دقیقی نیست و مطمئناً جمعیت معلولان در کشور بالاتر از این رقم است. معلولان تقریباً در اکثر کشورهای دنیا به دلیل شرایط جسمی و ذهنی خاص خود از گذشته تا به امروز به مثابه یک گروه اقلیت همواره در معرض طرد و محرومیت اجتماعی قرار داشته‌اند. همین مسئله سبب شده تا از معلولان با تعبیری همچون «فقیرترین افراد فقیر» جامعه یاد شود. با این توضیح که افراد معلول اغلب در شرایط اقتصادی - اجتماعی نامطلوبی نظیر تحصیلات کمتر، خدمات بهداشتی ضعیف‌تر، سطح اشتغال پایین‌تر، مشارکت اجتماعی ناچیز، ... و نرخ فقر بالاتری قرار دارند (ولفسون، ۲۰۰۲). محرومیت انباشته و شرایط خاص اقشار و گروه‌های مختلف معلولان، همزمان با رشد دانش بشری و افزایش آگاهی‌ها نسبت به حقوق انسانی، سبب شد تا حمایت از معلولان به مثابه یک حق انسانی مورد توجه قرار گیرد. نخستین تلاش‌ها در این زمینه در کشور انگلستان از طریق تشکیل سازمان‌های حمایتی برای ناشنوایان و نابینایان در سال‌های ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ شکل گرفتند. اولین توجه بین‌المللی به این موضوع نیز در سال ۱۹۲۴ در اعلامیه حقوق کودک بود.^۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ اعلامیه حقوق معلولان را تصویب کرد. هدف از تصویب این اعلامیه کمک به معلولان جهت حضور و شرکت بیشتر در زندگی اجتماعی و انجام فعالیت‌های روزمره‌شان بود. طبق این اعلامیه این دولت است که در نهایت باید خدمات بهداشتی، آموزشی و حرفه-ای با توجه به حدود و میزان استعداد معلولان را فراهم آورد. اعلامیه بعدی در سال ۱۹۹۱ تصویب شد و در آن خواسته شد که اعلامیه در مجموعه اسناد حقوق بشری نگهداری شود. آخرین تلاش بین‌المللی در این خصوص عهدنامه حقوق معلولان و پروتکل اختیاری آن است که در سال ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل آن را تصویب کرد^۳ (پروین و شعیب عارفی، ۱۴۰۱: ۸). در ایران نیز حمایت از حقوق معلولان به شکل خاص و ویژه در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۸۳) و بعداً در قانون حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۹۶) مورد توجه قرار گرفته است. نکته‌ای که در این رابطه بایستی مورد توجه واقع شود این است که مقوله حمایت از معلولان از منظر گفتمانی و پارادایمی دچار تحول شده است. در پارادایم سنتی، معلولان را به عنوان افرادی وابسته می‌دانند که نیاز به کمک دارند (بارانیکوف و دیگران، ۲۰۲۱: ۵۸۱) اما در پارادایم جدید معلولان افراد باظرفیتی هستند که به واسطه طرد اجتماعی از دسترسی به حقوق خود در جامعه محروم مانده‌اند. از این رو، مهم‌ترین سیاستی که در بحث حمایت از حقوق معلولان در اکثر کشورهای دنیا در

^۱ . <https://www.behzisti.ir/news/71514>

^۲ . در این اعلامیه به حقوق کودکان دارای معلولین ذهنی اشاره شده بود.

^۳ . این عهدنامه را در اولین روز بازگشایی ۸۱ کشور و اتحادیه اروپا امضا کردند.

حال حاضر دنبال می‌شود مبارزه با تبعیضات ساختاری و ایجاد شرایطی تضمین شده جهت کاهش آثار طرد و مشارکت فعال ایشان در عرصه‌های مختلف جامعه است. در واقع، نیت و هدف سیاست‌گذاران «ادغام اجتماعی»^۱ معلولان است. ادغام اجتماعی مفهومی تازه در ادبیات سیاست‌گذاری اجتماعی می‌باشد و به دنبال آن است که با تغییرات اجتماعی شرایط لازم را جهت دستیابی گروه‌های اجتماعی طردشده و محرم به منابع و فرصت‌های اجتماعی و به تبع آن مشارکت اجتماعی ایشان فراهم سازد (کرمانی، ۱۴۰۲: ۶). بنابراین، ارزیابی سیاست‌ها و قوانین حمایتی از این منظر، می‌تواند به عنوان یک مسئله پژوهشی مورد توجه سیاست‌پژوهان قرار گیرد. بر این اساس، در این مقاله به دنبال این هستیم که بدانیم آیا احکام قوانین حمایت از حقوق معلولان در چارچوب سیاست ادغام اجتماعی معلولان مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟

مروری بر پیشینه تجربی پژوهش

در رابطه با موضوع ادغام اجتماعی معلولان با وجود اهمیت و ضرورت مسئله، مطالعه و پژوهش چندانی در ایران صورت نپذیرفته است. این در حالی است که اکثر کشورهای دنیا در پرتو تولیدات علمی و پژوهشی انبوه خود، شرایط طرد و محرومیت معلولان و نیز ابتکارات سیاستی مختلف جهت ادغام اجتماعی ایشان در عرصه‌های مختلف جامعه را موضوع بحث و بررسی قرار داده‌اند. در جدول زیر مشخصات و نتایج پاره‌ای مطالعات خارجی انجام شده در زمینه ادغام اجتماعی معلولان به شکل فشرده ارائه شده است.

موضوع	عنوان	نویسندگان
این مطالعه در راستای پاسخ به آینده کاری معلولان در انگلستان طیف گسترده‌ای از راهکارهای سیاستی را مورد بررسی قرار می‌دهد.	Working futures?: Disabled people, policy and social inclusion	رونسون و بارنز (۲۰۰۵)
این مطالعه عوامل طرد اجتماعی معلولان ذهنی در انگلستان و شرایط بازگشت آنها به جامعه را مورد بحث قرار می‌دهد.	Social Inclusion and Mental Health	بوردمن، کوری و کیلاسی (۲۰۱۰)
این مطالعه آثار و شرایط طرد و ادغام اجتماعی را بر زندگی افراد دارای معلول در ایرلند مورد بررسی قرار می‌دهد.	The impact of disability transitions on social inclusion	گانون و نولان (۲۰۰۷)
این مطالعه نقش تأثیر حمایت‌های خانواده بر ادغام اجتماعی معلولان را در غنا بررسی می‌کند.	The Family and Disability in Ghana: Highlighting Gaps in Achieving Social Inclusion	اوپوکو و دیگران (۲۰۱۷)
این مطالعه به بررسی نظرات و پیشنهادات کودکان معلول برای ادغام اجتماعی در هلند می‌پردازد.	Connecting stories: A narrative approach of social inclusion of persons with intellectual disability	ماینینگر (۲۰۱۰)

^۱ . Social Inclusion

موضوع	عنوان	نویسندگان
این مطالعه با روش کیفی به بررسی عوامل و بسترهای طرد اجتماعی جوانان با معلوبیت ذهنی در لیتوانی می‌پردازد.	Enablers and barriers of social inclusion for young adults with intellectual disability: A multidimensional view	آسلت بوکانان و پیترسون (۲۰۱۵)
این مطالعه به تحلیل و بررسی نگرش دانشجویان نسبت به ادغام اجتماعی معلولان در یونان می‌پردازد.	Attitudes toward disability and social inclusion: an exploratory analysis	نوو کورتی (۲۰۱۰)
این مطالعه به بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در ادغام اجتماعی کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم (ASD) و ناتوانی ذهنی (ID) در آمریکا می‌پردازد.	Gender Differences in Social Inclusion of Youth with Autism and Intellectual Disability	موران و دیگران (۲۰۱۹)
این مقاله در بحث ادغام اجتماعی افراد دارای معلولیت به بررسی جغرافیای اجتماعی افراد کم توان ذهنی و اهمیت خرید و فضاهای مصرف در کانادا متمرکز می‌شود.	Shopping, social inclusion and the urban geographies of people with intellectual disability	ویلتون، شرمنز و مارکیز (۲۰۱۶)
این مطالعه به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی دیجیتال در افزایش ادغام اجتماعی افراد معلول در چین می‌پردازد.	Improving Social Inclusion for People with Physical Disabilities: The Roles of Mobile Social Networking Applications (MSNA) by Disability Support Organizations in China	کیم و زو (۲۰۲۰)

همان طور که بیان شد با وجود تولیدات علمی و پژوهشی گسترده در رابطه با ادغام اجتماعی معلولان در خارج از کشور، مطالعه مستقلی در این زمینه در کشور صورت نگرفته است. با این حال، تلاش شده تا به نتایج پاره‌ای از مطالعات انجام شده در جغرافیای این موضوع اشاره شود.

محسنی تبریزی و زرین کفشیان (۱۳۹۴) در مطالعه خود با موضوع بررسی عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی معلولان به این نتیجه رسیدند که طرد معلولان از اجتماع با نگرش منفی جامعه، عدم تناسب امکانات فیزیکی، نهادهای حمایتی، حمایت‌های درون‌گروهی، عدم اعتماد اجتماعی و احساس محرومیت اجتماعی رابطه معناداری دارد. در این رابطه، یکی از علل مهم طرد اجتماعی معلولان، نگرش منفی آحاد مختلف جامعه به معلولان است که زمینه فرهنگی داشته و به جای تأکید بر توانمندی و نقاط قوت معلولان و پرورش استعدادها، به نقاط ضعف آنان توجه می‌شود. معلولانی که از حمایت دوستان و خویشاوندان برخوردارند به مراتب کمتر از معلولانی که حمایت نمی‌شوند، مطرود و شرمسارند. همچنین، میزان اعتماد اجتماعی به معلولان بسیار اندک است و این امر تأثیر به‌سزایی در طرد معلولان از اجتماع دارد. زیرا، عدم اعتماد اجتماعی به معلولان تمایل معلولان را به تعامل و همکاری با گروه‌ها کاهش داده و شبکه‌های روابط دواطلبانه بین معلولان را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی از بین می‌برد.

موسی‌زاده و کیخا (۱۳۹۹) در مطالعه خود کرامت ذاتی انسان در جهان بینی اسلامی را به عنوان مبنای مشروعیت-بخشی برای کاربست سازوکار تبعیض مثبت، به مثابه مؤثرترین راهبرد حمایتی در حقوق معلولان بررسی کرده‌اند. توضیح اینکه کرامت انسان از این جهت که جنبه عام دارد، شامل همه افراد انسانی می‌شود. حال اگر انسانی به دلایل فیزیولوژیک

یا محدودیت‌های اجتماعی، از احقاق حقوق خود ناتوان باشد و این امر سبب پایمال شدن کرامت انسانی او شود، حکمرانی مطلوب اسلامی ایجاب می‌کند که اقدامات و سازوکارهایی اتخاذ شود تا دستگیر و یاریگر وی برای دستیابی به حقوقش و بازیابی کرامت انسانی‌اش باشد، حتی اگر این اقدامات و قوانین، ناقض صوری اصل برابری باشند و شائبه حمایت دوجندان از فرد را داشته باشند.

پروین و شعیب عارفی (۱۴۰۱) در مطالعه خود با موضوع بررسی تطبیقی تبعیض مثبت در زمینه استخدام معلولان در حقوق ایران، امریکا و هند به این نتیجه رسیده‌اند که نظام حقوقی هند و دیوان عالی آن کشور اقدامات محکمی در راستای تبعیض مثبت برای اشتغال معلولین انجام داده‌اند. قوانین فدرال ایالات متحده نیز دولت فدرال را ملزم به اعمال تبعیض مثبت برای اشتغال معلولان نموده است. در نظام حقوقی ایران نیز تبعیض مثبت مورد توجه بوده است. قانون جدید حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ تبعیض مثبت در حقوق معلولان را در قالب تمهیداتی در زمینه اشتغال معلولان پیش‌بینی کرده است، لکن مقررات و ضمانت‌اجراه‌های آن کافی نیست. سیاست‌های تبعیض مثبت در هند تاریخ بسیار طولانی‌تری نسبت به ایالات متحده دارند و از نظر قانون اساسی تضمین شده‌اند و به صورت سهمیه در مشاغل دولتی، موسسات آموزشی و کرسی‌های انتخاباتی در هر سطح از دولت وجود دارند. در آمریکا، این برنامه حدود ۴۰ سال قدمت دارد، که از نظر قانون اساسی تضمین نشده است و روش سهمیه بندی نیز منتفی است. نقطه قوت برنامه تبعیض مثبت در هند این است که در قانون اساسی تصریح شده است و نمی‌توان آن را به صورت قانونی به چالش کشید و عملاً غیر قابل برگشت است.

مطالعات متعددی نیز با موضوع بررسی وضعیت فضاهای شهری جهت استفاده معلولان انجام گرفته است. در این رابطه، می‌توان به مطالعات ملکی و شوهانی (۱۳۹۲)، رحمانی و ثبوتی (۱۳۹۸)، یاری حصار و همکاران (۱۳۹۹)، غضنفرپور و همکاران (۱۴۰۰) و غیره اشاره کرد. این مطالعات غالباً به دنبال بررسی نقش طراحی مناسب فضاهای شهری در افزایش سطح تعاملات اجتماعی معلولان و افزایش نقش اجتماعی آنان در جامعه هستند. بر حسب یافته‌های بدست آمده از این مطالعات در اکثر مناطق کشور فضاهای عمومی اعم پیاده‌روها، مراکز اداری و تجاری، پارک‌ها و بوستان‌ها و غیره علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته شرایط مطلوب و مناسب جهت استفاده معلولان را ندارند.

چارچوب مفهومی پژوهش

مفهوم ادغام اجتماعی^۱ به دلیل ماهیت سیاستی‌اش چندان مورد توجه مجامع علمی و دانشگاهی دنیا قرار نگرفته و بیشتر تلاش‌ها در راستای تحلیل و صورت‌بندی آن در چارچوب رهیافت پرداز اجتماعی صورت پذیرفته است (کامرون، ۲۰۰۶: ۳۹۶). اما، مفهوم طرد اجتماعی نیز خود علی‌رغم پرکاربرد بودن، تعریف صریح و روشنی ندارد. زیرا، از یک‌سو، تنوع و گستردگی مصادیق طرد اجتماعی و، از سوی دیگر، تعدد رویکردهای تفسیرگر و تبیین‌کننده این مفهوم توافق در مورد محتوا و تعیین حدود و ثغور آن را به امری پرمناقشه تبدیل کرده است. در کنار این موارد، باید به ماهیت سیال و

^۱. social inclusion

نسبی مفاهیم علوم اجتماعی و تفاوت بافت‌های اجتماعی و فرهنگی در این زمینه نیز اشاره شود. با این حال، «فقدان مشارکت» به‌تلویح و به‌عنوان نشانه مشترک در غالب تعاریف ارائه‌شده از مفهوم طرد اجتماعی مورد پذیرش نسبی قرار گرفته است. بر این اساس، طرد اجتماعی به‌مثابه فرایندی پویا تلقی می‌شود که از طریق آن برخی از افراد یا گروه‌های اجتماعی از مشارکت در شئون مختلف جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند منع می‌شوند یا باز می‌مانند. (کنیون، لایونز، و رافرتی، ۲۰۰۲: ۱۴؛ والکر و والکر، ۱۹۹۷: ۸) به عبارتی، زمانی یک فرد از نظر اجتماعی طرد می‌شود که الف) از نظر جغرافیایی در یک جامعه ساکن باشد؛ ب) اما به‌علل غیرارادی، نتواند در فعالیت‌های عادی شهروندان آن جامعه شرکت کند؛ ج) علی‌رغم اینکه به مشارکت تمایل دارد. (بورکهارت، لوگران، و پیچاد، ۲۰۰۲: ۲۲۹) بدین ترتیب، طرد اجتماعی بیانگر وضعیتی است که به واسطه آن برخی افراد یا گروه‌های اجتماعی به‌عللی چون ناتوانی یا محدودیت دسترسی به حقوق اولیه (سن، ۲۰۰۰؛ لویتاس و همکاران، ۲۰۰۷: ۹) قادر به مشارکت در مناسبات و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متعارف جامعه خود نیستند. با این تعریف، ادغام اجتماعی نیز به‌مثابه روی دیگر سکه طرد اجتماعی، به معنای درگیر شدن و مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف جامعه است. به همین ترتیب، در ساحت سیاست‌گذاری نیز ادغام اجتماعی به‌منزله تلاش برای رفع موانع و تسهیل مشارکت افراد و گروه‌های طردشده در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

مفهوم ادغام اجتماعی نیز به مانند طرد اجتماعی، یک مفهوم چندوجهی است و تقریباً تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی را که حضور در آن‌ها برای برخورداری از شرایط یک زندگی ایدئال و متعارف در جامعه امروز ضروری و مورد انتظار است در بر می‌گیرد؛ و به همین سیاق، مدعی است که طرد از هریک از این عرصه‌ها محرومیت و ناراضی‌آیی اجتماعی را به دنبال دارد و اشکال حاد و انباشته این محرومیت ممکن است افراد را در معرض آسیب اجتماعی قرار دهد. از این‌رو، در سیاست‌گذاری برای ادغام اجتماعی باید مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عرصه‌های اجتماعی برای فراهم‌سازی شرایط بازگشت مطرودان به جامعه مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی قرار گیرد. در این زمینه، ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی مهم‌ترین ابعادی هستند که از بیشترین میزان توافق و اجماع در میان صاحب‌نظران برخوردارند (کنیون، لایونز و رافرتی، ۲۰۰۲: ۱۴؛ والکر و والکر، ۱۹۹۷: ۸). در ادامه، به ترتیب الزامات سیاستی ادغام در هر یک از عرصه‌های فوق در نسبت با عوامل طردکننده در همان عرصه تحلیل و بیان گردیده است.

در شرایط طرد اقتصادی، افراد امکان مشارکت و بهره‌گیری عادلانه از منابع و فرصت‌های اقتصادی موجود در جامعه محل زندگی خود را پیدا نمی‌کنند. پیامد چنین شرایطی را می‌توان در مواردی چون نداشتن شغل مناسب^۱، بیکاری‌های طولانی‌مدت؛ فقر درآمدی؛ دستمزدهای پایین؛ ناامنی شغلی؛ عدم دسترسی به تسهیلات و اعتبارات مالی؛ و فقدان حداقلی مجموعه‌ای از خدمات اساسی نظیر سرپناه مناسب، بهداشت، آب سالم، آموزش و غیره مشاهده کرد. در این میان، طرد از بازار کار یا نداشتن شغل مناسب مهم‌ترین جنبه از طرد اقتصادی یا به تعبیری طرد اجتماعی است که مورد تأکید

1. Kenyon, Lyons, & Rafferty

2. Walker & Walker

3. decent jobs

فراوان صاحب‌نظران مختلف قرار گرفته است (بهالا و لاپیر،^۱ ۱۹۹۷: ۴۱۸؛ لویتاس و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۰). از این رو، مسئله اصلی در راهبرد ادغام اقتصادی^۲ رفع موانع مشارکت و ایجاد شرایط برای بهره‌گیری مؤثر و عادلانه افراد از فرصت‌های اقتصادی خواهد بود. تحقق این مهم در گام نخست نیازمند شناسایی، تعدیل و از میان برداشتن موانعی است که به شکل رسمی یا غیررسمی دسترسی آحاد جامعه را به منابع و امکانات اقتصادی موجود در جامعه محدود می‌کند، به طوری که تمامی افراد و گروه‌های اجتماعی، صرف‌نظر از جایگاه طبقاتی یا تفاوت‌های فردی و جمعی‌شان در زمینه جنسیت و قومیت و نژاد، دسترسی یکسان و برابر و منصفانه‌ای به منابع و فرصت‌های اقتصادی داشته باشند. در واقع، ویژگی اصلی یک اقتصاد فراگیر به تخصیص عادلانه و کارآمد منابع مربوط می‌شود و مستلزم آن است که چارچوب‌های قانونی، نهادها و سیاست‌های اقتصادی عاری از جانب‌داری باشند و فعالانه به دنبال کاهش موانع مشارکت و افزایش دسترسی عموم مردم به منابع اقتصادی باشند. گام دوم مستلزم حفظ و ارتقای قابلیت و توانمندی افراد به‌ویژه اقشار و گروه‌های محروم و طردشده برای بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی در جامعه است. این امر در کنار کمک‌های حمایتی، نیازمند آموزش، مهارت‌افزایی و تدارک تسهیلات لازم جهت ورود به بازارهای اقتصادی است.

طرد سیاسی، به یک معنا، بیانگر محرومیت از مشارکت سیاسی و عدم تأثیرگذاری بر تصمیماتی است که زندگی افراد را متأثر می‌سازد. در معنایی دیگر و فراگیرتر از معنای نخست، طرد سیاسی به‌منزله محرومیت از حقوق شهروندی است (ایوانز و تیلی،^۳ ۲۰۱۷: ۵۷). ادغام سیاسی،^۴ برخلاف طرد سیاسی، بیانگر اعطای حق مشارکت سیاسی^۵ به تمامی شهروندان و ایجاد بستر و سازوکارهای لازم برای رأی‌دادن، نامزدی در مناصب سیاسی، ارائه نظرها به نمایندگان در حین تدوین سیاست‌ها و قوانین، و نظارت بر مجریان در سطوح ملی و محلی است. در همین زمینه، فرایند اعطا و کسب حق مشارکت سیاسی در دنیا، به‌ویژه پس از پایان عصر استعمار و انقلاب‌های سیاسی، رشد چشمگیری داشته است، تا جایی که در اکثر کشورها شهروندان فارغ از جنسیت، قومیت، نژاد، زبان یا ناتوانی جسمی از حق مشارکت سیاسی برخوردار شده‌اند. با این حال، در بیشتر جوامع حق مشارکت به پایین‌ترین سطح از مشارکت در نظام‌های سیاسی، یعنی حق رأی و مشارکت در انتخابات، محدود شده و گروه‌های تحت تبعیض مانند زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی با موانع و چالش‌های فراوانی برای مشارکت در سطوح بالاتر نظام سیاسی مواجه هستند. رهبران و بازیگران اصلی عرصه سیاست، برحسب اصولی همچون «حداقل ائتلاف و حداکثر بهره‌مندی» با ایجاد قواعد سفت‌وسخت برای ورود بازیگران جدید یا محدودکردن فضا برای رقابت بازیگران حاضر در بازی سیاست، به دنبال ایجاد انحصار و بیشینه‌سازی منافع خود از قدرت سیاسی هستند. در حقیقت، موانع مشارکت سیاسی فراتر از حقوق اساسی به تنظیمات نهادی و رویه‌های نظام سیاسی بازمی‌گردد. از این رو، فرایند ادغام سیاسی در نقطه شروع مستلزم رفع موانع نهادی و ایجاد امکان دسترسی برابر همه شهروندان به فرصت مشارکت سیاسی در تمام سطوح نظام سیاسی است. در سطح نهادهای رسمی همانند قوانین، شیوه-

1. Bhalla & Lapeyre

2. economic inclusion

3. Evans & Tilley

4. political inclusion

5. political participation

نامه‌ها و رویه‌های رسمی که سازوکار و نحوه ورود و مشارکت در سطوح مختلف نظام سیاسی را تنظیم می‌کنند، ابتدا باید از وضع قوانین و مقررات تازه‌ای ممانعت شود که موجب تبعیض و شکل‌گیری امتیازات سیاسی ویژه برای گروه‌های خاص می‌شود و قوانین و رویه‌های جاری، که مانع از حضور و مشارکت فراگیر، فعال و آزادانه جامعه در فرایندهای سیاسی می‌شوند، مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرند. در سطح نهادهای غیررسمی مانند شبکه‌های اجتماعی و تشکرها و گروه‌هایی که بیرون از عرصه سیاست رسمی قرار گرفته‌اند، اما بر ورودی و خروجی فرایندهای سیاسی تأثیر می‌گذارند، باید، از یک‌سو، دسترسی‌های لازم برای عضویت و نقش‌آفرینی افراد در شبکه‌ها و اجتماعات تأثیرگذار بر حاکمیت در سطوح ملی و محلی داده شود و، از سوی دیگر، زیرساخت و امکانات متناسب برای تشکیل‌یابی و سازمان‌دهی گروه‌های بی‌قدرت و در حاشیه به‌منظور انعکاس صدا و تأثیرگذاری بر تصمیماتی که زندگی آن‌ها را متأثر می‌کند فراهم شود.

بعد اجتماعی طرد به انزوای اجتماعی و بیرون‌افتادن فرد از شبکه روابط اجتماعی اشاره دارد. امروزه، پژوهش‌های علوم اجتماعی، به‌ویژه در قالب مفهوم و نظریه سرمایه اجتماعی، به‌خوبی اهمیت روابط اجتماعی را در جلوگیری از بروز پدیده محرومیت و استفاده از فرصت‌های زندگی در عرصه‌های اجتماعی مختلف اثبات کرده‌اند (کوهن، اندروود و گوتلیب،^۱ ۲۰۰۰: ۱۱). بر این اساس، ادغام اجتماعی فرایندی است که به‌موجب آن افراد و گروه‌های طردشده مانند معلولان در اجتماع مردم عادی عجین می‌شوند و شبکه‌ای از روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل را توسعه و تداوم می‌بخشند. از این‌رو، بهبود روابط اجتماعی و ارتقای مشارکت اجتماعی طردشدگان در سیاست‌گذاری برای ادغام اجتماعی بسیار مهم است. البته، ایجاد یا افزایش مشارکت اجتماعی نمی‌تواند به‌عنوان هدف سیاست‌گذاری انتخاب شود؛ بلکه سیاست‌گذاری برای ادغام اجتماعی در اینجا باید معطوف به فراهم‌کردن شرایط و لوازمی باشد که توسعه روابط اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی را تسهیل می‌کنند.

طرد فرهنگی غالباً زمانی اتفاق می‌افتد که افراد متعلق به اقلیت‌های قومی و فرهنگی نتوانند عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را، که مینا و شالوده هستی و هویتشان را شکل می‌دهد، بازتاب دهند. به عبارتی سنت‌ها، ارزش‌ها و سبک‌های مختلف زندگی مورد پذیرش و احترام قرار نمی‌گیرند. از این‌رو، در مباحث مربوط به ادغام فرهنگی معمولاً پذیرش و احترام به تفاوت‌های فرهنگی ملاک و مبنای عمل قرار می‌گیرد. اما آنچه در این بعد بیشتر برای معلولان مصداق می‌یابد، «مصرف فرهنگی»^۲ است. با این توضیح که معلولان به دلیل آثار ناشی از طرد اقتصادی و اجتماعی و مناسب‌نبودن فضاهای فیزیکی امکان کمتری برای مصرف فرهنگی پیدا می‌کنند. از این‌رو، در بحث ادغام فرهنگی می‌بایست شرایط و تمهیدات لازم جهت افزایش مصرف فرهنگی معلولان اندیشیده شود.

طرد فضایی نیز به معنای تفکیک و فاصله‌گذاری اجتماعی است که اغلب در ابعاد فضایی و کالبدی تجلی می‌یابد (لویتاس و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۰). نمونه بارز طرد فضایی در ادبیات این حوزه مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی هستند. اما آنچه که در این رابطه بیشتر برای معلولان مصداق می‌یابد مناسب نبودن فضاهای عمومی از جمله ساختمان‌ها، پیاده‌روها، پارک‌ها و ... جهت تردد و رفت و آمد ایشان است. از این‌رو، مؤلفه‌های فضایی در سیاست‌گذاری

^۱. Cohen, Underwood, & Gottlieb

^۲. cultural consumption

برای ادغام اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردارند، زیرا بهسازی و ایمن‌سازی فضاهای عمومی لازمه حضور معلولان و سایر شهروندان در عرصه‌های اجتماعی است. با عنایت به نکات محوری و توضیحات ارائه شده در این بخش، جزئیات مرتبط با ابعاد و مؤلفه‌های طرد اجتماعی و به فراخور آن الزامات و تمهیدات مورد نیاز جهت ادغام اجتماعی در جدول شماره ۱ صورت‌بندی و ارائه گردیده است.

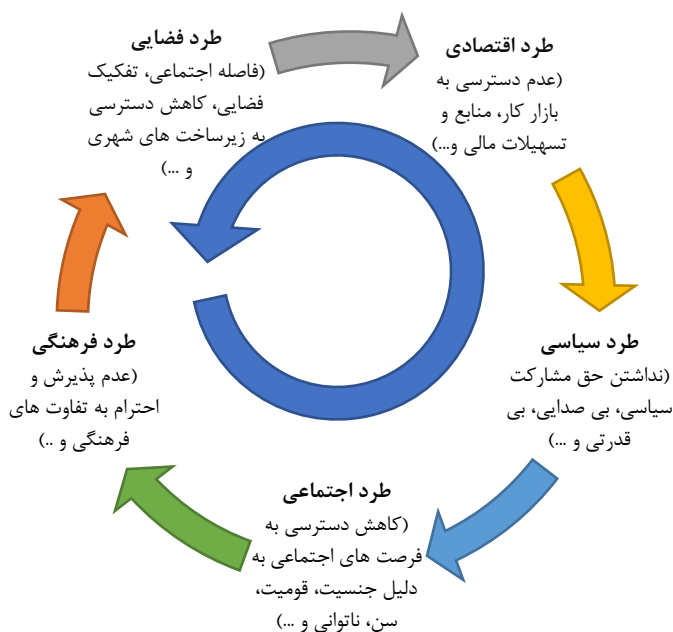
جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های طرد اجتماعی و الزامات ادغام اجتماعی

ابعاد طرد اجتماعی	مؤلفه‌های طرد اجتماعی	الزامات ادغام اجتماعی
اقتصادی	بیکاری، نداشتن شغل مناسب، دستمزدهای پایین، ناامنی شغلی، عدم دسترسی به تسهیلات و اعتبارات مالی، فقدان سرپناه مناسب، بهداشت، آموزش و غیره.	آموزش مهارت‌های شغلی، پوشش بیمه‌های اجتماعی و درمان، ایجاد دسترسی به تسهیلات مالی و اعتباری، ایجاد دسترسی به فرصت‌های شغلی در بخش‌های عمومی و خصوصی
سیاسی	نداشتن حق مشارکت سیاسی، بی‌قدرتی، بی‌صدایی، عدم دسترسی به مسئولان، فقدان امکانات برای مشارکت سیاسی، محدود شدن تشکلیابی و انجام فعالیت‌های مدنی.	اعطای حق رأی، تاثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌سازی، امکان تشکلیابی، دسترسی به مقامات سیاسی
اجتماعی	تنهایی، ارتباط کم با دیگران، محدود بودن شبکه دوستان و آشنایان، حمایت اجتماعی کم، عدم حضور در اجتماعات خانوادگی، عدم مشارکت در فعالیت‌های مدنی، بدنامی، عدم تعلق به جامعه.	پیش‌بینی فضاهای جمعی برای برقراری ارتباطات اجتماعی، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی نوین، تسهیل فرایند شکل‌گیری گروه‌های انجمنی و داوطلبانه و رفع موانع فعالیت آنها، توسعه زیرساخت‌های گردشگری و گذاران اوقات فراغت، معرفی عناصر و مؤلفه‌های هویت ساز در فضاهای عمومی برای ایجاد حس تعلق،
فرهنگی	عدم دسترسی به منابع و امکانات فرهنگی جامعه، عدم مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، فراهم نبودن شرایط جهت بروز استعدادها، فردی در حوزه‌های فرهنگی و هنری، ناتوانی در استفاده از امکانات فراغتی جامعه.	استقرار عدالت فضایی، تامین امنیت اجتماعی، محیط سالم و پاکیزه، دسترس‌پذیر نمودن اماکن و فضاهای عمومی برای افراد ناتوان
فضایی	تمرکز و حاشیه‌نشینی گروه‌های آسیب‌پذیر در اماکن خاص، تخریب محیط زیست، فرسودگی ساختمان‌ها، کمبود خدمات، ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی، آب ناسالم، بالا بودن میزان جرم و جنایت.	استقرار عدالت فضایی، تامین امنیت اجتماعی، محیط سالم و پاکیزه، دسترس‌پذیر نمودن اماکن و فضاهای عمومی برای افراد ناتوان

بر حسب اطلاعات جدول شماره ۱، ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی ابعاد عمده و مهم طرد اجتماعی هستند. مؤلفه‌های مرتبط با هر بعد بر مبنای مقولات حقوق شهروندی، دسترسی به منابع و فرصت‌ها و مشارکت در سطح نهادی تدوین و تنظیم گردیده‌اند. بر این اساس شرایط نهادی مساعد برای ارتقای ادغام اجتماعی معلولان باید از مشخصاتی برخوردار باشد که تضمین می‌کند که کنشگران از حق و فرصت برابر برای مشارکت برخوردارند تا از منابع و امکانات جامعه در عرصه‌های مختلف استفاده نمایند.

ابعاد چندگانه طرد اجتماعی دارای ارتباط درونی هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، به طوری که وقوع طرد در یک بُعد خطر تجربه طرد در سایر ابعاد را به دنبال دارد. شکل شماره ۱ تعامل‌پذیری و ماهیت تقویت‌کننده ابعاد مختلف طرد اجتماعی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، افراد دارای معلولیت ممکن است به دلیل طرد فضایی و دسترس‌ناپذیر بودن

فضاهای شهری امکان حضور در جامعه را پیدا نکنند و بدین طریق از دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی محروم شوند. یا بلعکس، فقر و محرومیت اقتصادی معلولان را در تأمین تجهیزات توانبخشی لازم جهت حضور در جامعه، انجام فعالیت‌های سیاسی، مصرف فرهنگی و ... دچار مشکل می‌سازد. این موضوع بیانگر آن است که در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تأمین و تحقق حقوق معلولان لاجرم بایستی ابعاد مختلف طرد اجتماعی به شکل جامع، یکپارچه و هم-افزا مورد توجه قرار گیرد و تمرکز صرف بر یک یا دو بعد و غفلت از سایر ابعاد معلولان را از دستیابی به حقوق کامل خود به عنوان شهروند جامعه محروم می‌سازد.



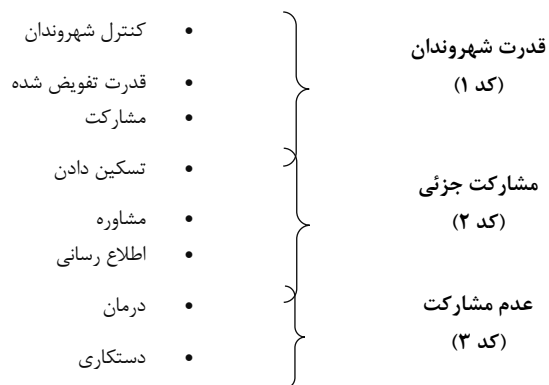
شکل ۱. اشکال اصلی و عمده طرد اجتماعی و روابط متقابل آنها

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و روش آن تحلیل محتوای جهت‌دار^۱ است. تحلیل محتوای جهت‌دار یکی از رویکردهای تحلیل محتوای کیفی است که هدف آن معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه یا خود نظریه می‌باشد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴). در این روش پژوهشگر با استفاده از منطق قیاسی و نظریات موجود، مفاهیم و متغیرهای اصلی را شناسایی و بر حسب آن متون را علامت‌گذاری، تحلیل و ارزیابی می‌کند. جامعه آماری پژوهش قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ و قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ است. به منظور تطبیق احکام

^۱ . Directed Content Analysis

قانونی تدوین شده در چارچوب سیاست ادغام اجتماعی، کلیه مواد این دو قانون توسط پژوهشگر بازخوانی و از لابه‌لای آن احکام مرتبط شناسایی، استخراج و با استفاده از پرسشنامه معکوس^۱ در قالب چارچوب مفهومی پژوهش نشانه‌گذاری و تحلیل شده‌اند. افزون بر این، ادغام اجتماعی معلولان بر اساس چارچوب مفهومی مورد استفاده در این مقاله، زمانی اتفاق می‌افتد که مشارکت یا درگیری در هر مورد خاص بتواند به شکل واقعی و نه صوری و دستکاری شده انجام پذیرد. به عبارت دیگر، همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، به سه پله بالای نردبان مشارکت شهروندان آرنشتاین^۲ (۱۹۶۹) یعنی کنترل شهروندان، قدرت تفویض شده و مشارکت برسد.



شکل ۲. نردبان مشارکت شهروندان آرنشتاین (آرنشتاین، ۱۹۶۹)

پله‌های پایین نردبان «دستکاری»^۳ و «درمان»^۴ هستند. این دو مرحله سطوحی از «عدم مشارکت» را توصیف می‌کنند که توسط برخی برای جایگزینی مشارکت واقعی ساخته شده است. هدف واقعی آنها این نیست که مردم را قادر به مشارکت در برنامه‌ریزی یا اجرای برنامه‌ها کنند، بلکه توانمندسازی صاحبان قدرت برای «آموزش» یا «درمان» شرکت‌کنندگان است. پله‌های «اطلاع‌رسانی»^۵ «مشاوره»^۶ به سطوحی از «نشانه‌گرایی»^۷ پیشرفت می‌کنند که به افراد اجازه می‌دهد بشنوند و صدایی داشته باشند. در این شرایط شهروندان واقعاً ممکن است بشنوند و شنیده شوند. اما فاقد این قدرت هستند که اطمینان حاصل کنند که نظرات آنها مورد توجه قدرتمندان و مبنای عمل قرار خواهد گرفت. بنابراین هیچ تضمینی برای تغییر وضعیت موجود وجود ندارد. پله پنجم «تسکین دادن»^۸ صرفاً یک نشانه‌گرایی سطح بالاتر است، زیرا قوانین پایه به صاحبان قدرت اجازه اخذ مشاوره را می‌دهند، اما حق ادامه تصمیم‌گیری برای صاحبان قدرت کماکان حفظ می‌شود. مانند عضویت در کمیته‌ها و شوراهای مختلف بدون داشتن حق رأی. در بالای نردبان مشارکت، سطوحی از

1. Inverse Questionnaire
 2. Arnstein
 3. Manipulation
 4. Therapy
 5. Informing
 6. Consultation
 7. Tokenism
 8. Placation

قدرت شهروندی با درجات فزاینده‌ای از نفوذ در فرایند تصمیم‌گیری قرار دارند. در پله ششم شهروندان می‌توانند وارد یک «شراکت»^۱ شوند که آنها را قادر می‌سازد تا با صاحبان قدرت سنتی مذاکره و درگیر مبادله شوند. در واقع در این پله از نردبان قدرت از طریق مذاکره بین شهروندان و صاحبان قدرت بازتوزیع می‌شود. آنها موافقت می‌کنند که مسئولیت‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را از طریق ساختارهایی مانند هیئت‌های سیاستگذاری مشترک، کمیته‌های برنامه‌ریزی و ... به اشتراک بگذارند. در پله بعد، «قدرت تفویض شده» مذاکرات بین شهروندان و مقامات دولتی می‌تواند منجر به دستیابی شهروندان به قدرت تصمیم‌گیری غالب در مورد یک طرح یا برنامه خاص شود. در مرحله بعد شهروندان افزون بر قدرت مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌ها امکان نظارت نیز پیدا می‌کنند (آرنشتاین، ۱۹۶۹: ۲۱۷-۲۲۳). بنابراین با تکیه بر چارچوب فوق افزون بر مقایسه و بررسی ابعاد ادغام اجتماعی در قوانین حمایت از حقوق معلولان، کیفیت سیاست‌های اتخاذ شده در هر بعد نیز سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل محتوا و تطبیق احکام حمایت از حقوق معلولان در قوانین حمایت از حقوق معلولان - قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۸۳ و قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ - با ابعاد و مؤلفه‌های ادغام اجتماعی در جدول ذیل ارائه گردیده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از تطبیق قوانین حمایت از حقوق معلولان با چارچوب ادغام اجتماعی

ابعاد ادغام اجتماعی	مؤلفه‌های ادغام اجتماعی	قانون مصوب ۱۳۸۳	قانون مصوب ۱۳۹۶
ادغام اقتصادی	اشتغال مناسب	۲	۲
	دسترسی به منابع مالی	۲	۲
	دسترسی به کالا و خدمات اساسی	۳	۳
ادغام سیاسی	حق مشارکت سیاسی		
	امکان تشکل‌یابی		۲
	دسترسی به مقامات سیاسی		۲
ادغام اجتماعی	توسعه شبکه روابط اجتماعی		۲
	امکان تشکل‌یابی و فعالیت مدنی		۲
	انگ‌زدایی و پذیرش اجتماعی	۲	۲
ادغام فرهنگی	مشارکت در فعالیتهای فرهنگی		
	دسترسی به امکانات فرهنگی	۳	۳
	مصرف کالاهای فرهنگی	۳	۳
ادغام فضایی	بهسازی و مناسب‌سازی ساختمان‌ها	۲	۲
	بهسازی و مناسب‌سازی معابر	۲	۲
	مناسب‌سازی و دسترس‌پذیرساختن وسایل حمل و نقل	۲	۲

^۱ . Partnership

بر حسب اطلاعات جدول شماره ۲ مهم‌ترین مؤلفه‌های مرتبط با ادغام اقتصادی، یعنی اشتغال مناسب، دسترسی به تسهیلات و منابع مالی و دسترسی به کالا و خدمات اساسی هم در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و همچنین در قانون حمایت از حقوق معلولان مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه در بند «الف» ماده (۷) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان «حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و ... که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند به افراد معلول» اختصاص یافته است. موضوعی که در ماده (۱۵) قانون حمایت از حقوق معلولان نیز مجدداً تکرار گردیده است. علاوه بر این، به منظور افزایش نرخ اشتغال معلولان در بخش غیردولتی در بندهای «ب»، «ج»، «د» و «ه» ماده (۷) قانون حمایتی مصوب ۱۳۸۳ تسهیلات اعتباری ویژه‌ای برای مبحث خوداشتغالی معلولان و اشتغال ایشان در واحدهای تولیدی، خدماتی و ... در نظر گرفته شده است. موضوعی که در بندهای «الف»، «ب» و «پ» ماده (۱۱) قانون مصوب ۱۳۹۶ تکرار گردیده است. در زمینه دسترسی به کالا و خدمات اساسی در مواد (۵)، (۸) و (۹) قانون مصوب ۱۳۸۳ موضوعات دسترسی به خدمات درمانی، آموزش رایگان و تأمین مسکن مورد توجه قرار گرفته است. این موارد در مواد (۶)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۷) و (۱۸) قانون مصوب ۱۳۹۶ با دامنه بیشتری از خدمات مورد توجه قرار گرفته است. احکام فوق اگرچه از منظر ادغام اقتصادی حائز اهمیت هستند؛ اما در سلسله مراتب مشارکت آرنشتاین در مرتبه مشارکت جزئی قرار می‌گیرند. زیرا تنها فرصتی ایجاد شده تا معلولان صدایی در عرصه‌های اقتصادی جامعه داشته باشند.

حق مشارکت سیاسی، امکان تشکلیابی و دسترسی به مقامات سیاسی مهم‌ترین مؤلفه‌های ادغام سیاسی که هیچکدام در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۸۳ مورد توجه قرار نگرفته‌اند. لکن، در قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ موضوعات تشکلیابی و دسترسی به مقامات سیاسی به شکل ضمنی و ناصریح در مواد (۱)، (۳)، (۷)، (۲۱) و (۳۱) مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، از نظر کیفیت مشارکت نیز به مانند احکام اقتصادی در سطح مشارکت جزئی قرار می‌گیرند. زیرا با وجود عضویت نمایندگان جامعه معلولان در «کمیته هماهنگی و نظارت بر اجرای قانون حمایت از معلولان»، لکن به موجب بند «۱۷» ماده (۳۱) این قانون حق داشتن رأی از ایشان سلب شده است.

توسعه شبکه روابط اجتماعی، تشکلیابی و فعالیت مدنی در کنار انگ‌زدایی و پذیرش اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه‌های ادغام اجتماعی هستند. در این رابطه، در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به جز ماده (۱۲) که سازمان صدا و سیما را موظف است حداقل دو ساعت از برنامه‌های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنائی مردم با توانمندی‌های معلولین اختصاص دهد؛ حکم دیگری به مؤلفه‌های ادغام اجتماعی نپرداخته است. این در حالی است که هر سه مؤلفه مورد نظر در این زمینه در مواد (۱)، (۳)، (۷)، (۲۰)، (۲۱) و (۳۱) قانون حمایت از حقوق معلولان مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه در مواد (۲۰) و (۲۱) این قانون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و شهرداری‌ها در راستای انگ‌زدایی و پذیرش اجتماعی معلولان موظف گردیده‌اند بخشی از ظرفیت‌های خود را به صورت رایگان به آشنائی مردم با حقوق، توانمندی‌ها و مشکلات این افراد اختصاص دهند. با این حال، از نظر کیفیت مشارکت، این احکام نیز به مانند احکام مرتبط با عرصه‌های اقتصادی و سیاسی در سطح مشارکت جزئی قرار می‌گیرند.

در زمینه ادغام فرهنگی، موضوع مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و ایجاد بستر جهت رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت‌های فرهنگی و هنری معلولان تقریباً در هر دو قانون مورد توجه قرار نگرفته‌اند. لکن، موضوع مصرف کالاهای فرهنگی و ایجاد تسهیلات جهت دسترسی و استفاده از امکانات فرهنگی و ورزشی به شکل حداقلی در ماده (۴) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و ماده (۸) قانون حمایت از حقوق معلولان مورد توجه قرار گرفته است. این سطح تقریباً نازل‌ترین سطح مشارکت و به تعبیری مصداق عدم مشارکت معلولان در عرصه تولید یا مدیریت فرهنگی در جامعه است.

مهم‌ترین بعدی که در زمینه ادغام اجتماعی در حقوق معلولین در ایران مورد توجه قرار گرفته، بعد فضایی با مؤلفه‌هایی چون بهسازی و مناسب‌سازی ساختمان‌ها، بهسازی و مناسب‌سازی معابر و مناسب‌سازی و دسترس‌پذیرساختن وسایل حمل و نقل است. در واقع، ادغام اجتماعی معلولان با مناسب‌سازی فضاهای عمومی و دسترس‌پذیرنمودن آن برای معلولان یکی انگاشته شده است. بر همین اساس نیز در ماده (۲) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون حمایت از حقوق معلولان احکام متعددی به بحث بهسازی و مناسب‌سازی فضاهای عمومی جهت دسترسی معلولان اختصاص یافته است. به عنوان نمونه مطابق با حکم ماده (۵) قانون حمایت از حقوق معلولان «وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و کشور و شهرداری‌ها مکلفند حسب مورد نسبت به مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری کلیه پایانه‌ها، ایستگاهها، تأسیسات سامانه‌ها و ناوگان حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری، دسترس‌پذیری سامانه‌های حمل و نقل عمومی برای دسترسی منطبق با قوانین داخلی و استانداردهای بین‌المللی افراد دارای معلولیت اقدام کنند و امکان بهره‌مندی این افراد از ناوگان حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی را فراهم نمایند و کارکنان خود را جهت همیاری عملی و صحیح با مسافران دارای معلولیت، آموزش دهند». با فرض بر این که بسترسازی و ایجاد شرایط جهت حضور معلولان در عرصه‌های عمومی امکان و بستری برای دیده و شنیده شدن آنها در جامعه فراهم می‌سازد؛ این احکام نیز در سطح مشارکت جزئی دسته‌بندی می‌شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقدمه عنوان شد، هدف از انجام این مطالعه، بررسی احکام قوانین حمایت از حقوق معلولان در چارچوب مفهوم ادغام اجتماعی و مقولات برآمده آن است. حقوق معلولان از منظر ادغام اجتماعی به معنای کسب شرایط عادی زندگی به مانند سایر شهروندان جامعه است و جهت دستیابی به این شرایط حداقل باید پنج بعد یا مقوله اساسی - یعنی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی - در قوانین حمایتی مرتبط با این قشر مورد توجه قرار گیرد. در ایران تاکنون دو قانون، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۸۳) و قانون حمایت از حقوق معلولان (مصوب ۱۳۹۷) به تصویب رسیده است. در این رابطه با وجود فسخ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، هر دو قانون از منظر چارچوب مفهومی مطالعه مورد مقایسه قرار گرفتند. بر حسب نتایج مطالعه در قانون حمایت از حقوق معلولان تقریباً تمامی ابعاد و مؤلفه‌های ادغام اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان بیشتر ابعاد اقتصادی، فرهنگی و فضایی مورد توجه قرار گرفته بودند. بنابراین، قانون حمایت از حقوق معلولان از منظر ادغام اجتماعی نسبت به قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به واسطه توجه به ادغام سیاسی و موضوع تشکل -

یابی و مشارکت اجتماعی معلولان قانون کامل تری است. با این حال، از نظر کیفیت ادغام اجتماعی تفاوت چندانی میان سطح و سقف مشارکت تعیین شده در دو قانون مشاهده نمی‌شود. از زاویه نگاه آرنشتاین هر دو قانون در سطح مشارکت جزئی قرار می‌گیرند. این در حالی است که افراد معلول و کم توان امروزه بیش تر از آن که به دنبال امتیازات ویژه باشند، خواهان ایفای نقش و کسب مسئولیت‌های برابر با سایر اعضای جامعه هستند و با سازماندهی تشکل‌های قدرتمند در پی احقاق حقوق فراموش شده خود می‌باشند. افراد معلول که خود را «بزرگ‌ترین اقلیت در جهان» می‌دانند، به آن مرحله از رشد و تعالی دست یافته‌اند که در برخی از کشورها حتی قادر به تأثیرگذاری بر مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هستند و از این طریق تلاش می‌کنند تا از پایمال شدن شأن و شخصیت انسانی خود جلوگیری کنند.

منابع

- ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۵)؛ تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، صفحه ۵-۴۴.
- باریکلو، علیرضا؛ فاطمی‌نژاد، سید حسین (۱۳۹۸)؛ روایی و کارایی تبعیض مثبت در احقاق حقوق زنان، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶۵: ۱۳۳-۱۶۱.
- پاک‌سرشت، سلیمان (۱۳۹۳)؛ ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره بیست و پنجم، صفحات ۷۱-۱۰۴.
- پروین، خیراله؛ شعیب عارفی، محمد (۱۴۰۱)؛ بررسی تطبیقی تبعیض مثبت در زمینه استخدام معلولان در حقوق ایران، آمریکا و هند، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره یک (پیاپی ۲۴)، صفحات ۳۱-۷.
- توسلی نائینی، منوچهر؛ کاویار، میرحسین (۱۳۸۷)؛ تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین المللی، اندیشه‌های حقوق خصوصی، شماره سیزدهم، صفحه ۵۱-۸۱.
- رحمانی، بهزاد؛ ثبوتی، هومن (۱۳۹۸)؛ نقش طراحی مناسب مجموعه‌های ورزشی شهر تهران در افزایش تعاملات اجتماعی معلولان جسمی - حرکتی، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۳، صفحات ۱۳۷-۱۲۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)؛ ساز و کار «تبعیض مثبت» به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۳: ۱۴۱-۱۱۵.
- غضنفرپور، حسین؛ عبدالهی، علی اصغر و فیروزه مرادزاده (۱۴۰۰)؛ برنامه‌ریزی فضاهای شهری برای تأمین نیازهای معلولان و جانبازان نمونه پژوهش: منطقه دو شهری کرمان، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۱، صفحات ۱۸۶-۱۶۳.
- کرمانی، محسن (۱۴۰۲)؛ درآمدی بر سیاست ادغام اجتماعی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گرگی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)؛ تبعیض مثبت: تبعیض عادلانه یا درمان اثرات تبعیض، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۵، صفحات ۳۶۳-۳۳۱.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ زرین کفشیان، غلامرضا (۱۳۹۴)؛ بررسی عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی معلولان: مطالعه موردی معلولان جسمی و حرکتی تحت پوشش بهزیستی شهرستان ری، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲، صفحه ۳۵۲-۳۲۷.
- ملکی، محمدرضا؛ شوهانی، محمد (۱۳۹۲)؛ مناسب سازی مبلمان‌های شهری متناسب با نیازهای معلولان و جانبازان (مورد مطالعه: خیابان‌های فردوسی و آیت الله حیدری شهر ایلام)، فرهنگ ایلام، شماره ۴۰، صفحات ۱۴۶-۱۲۷.

موسی‌زاده، ابراهیم؛ کیخا، سعید (۱۳۹۹)؛ کرامت انسان در اسلام، مبنای راهبرد حمایتی تبعیض مثبت در حقوق معلولان؛ الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، شماره ۳۴، صفحات ۹۱-۱۲۰.
هنسن، جوزف (۱۳۹۲). آرایش، مد و بهره‌کشی زنان، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران: نشر گل آذین.
یاری حصار، ارسطو؛ سعیدی زارنجی، سمیرا؛ فرزانه سادات زارنجی، ژیلا و هادی اسکندری عین الدین (۱۳۹۹)؛ ارزیابی مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان و افراد کم توان جسمی - حرکتی مطالعه موردی شهر اردبیل، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۶، صفحات ۱۱۷-۱۳۲.

Arnstein, Sh. R. (1969) A Ladder Of Citizen Participation, Journal of the American Institute of Planners, ۳۵:۴, -۲۱۶
DOI: ۰۱۹۴۴۳۶۶۹۰۸۹۷۷۲۲۵/۱۰,۱۰۸۰

Barannikov, K., Ismagilova, F., Li, Z., & Kolpashchikov, O. (2021). Changing the Paradigm of Inclusion: How Blind People Could Help People without Disabilities to Acquire New Competences. *Changing Societies & Personalities*, 5(4), 581-599. doi:10.15826/csp.2021.5.4.151

Bhalla, A., & Lapeyre, F. (1997). Social exclusion: towards an analytical and operational framework. *Development and change*, 28(3), 413-433.

Boardman, J, Currie, A, Killaspy, H (2010), Social Inclusion and Mental Health, RCPsych Publications is an imprint of the Royal College of Psychiatrists, 17 Belgrave Square, London SW1X 8PG.

Cameron, A. (2006). Geographies of welfare and exclusion: social inclusion and exception. *Progress in Human Geography*, 30(3), 396-404.

Danae Van Asselt, Angus Buchanan & Sunila Peterson (2015) Enablers and barriers of social inclusion for young adults with intellectual disability: A multidimensional view, *Journal of Intellectual & Developmental Disability*, 40:1, 37-48, DOI: 10.3109/13668250.2014.994170

Evans, G., & Tilley, J. (2017). *The new politics of class: The political exclusion of the British working class*. London, UK: Oxford University Press.

Cohen, S., Underwood, L., & Gottlieb, B. (2000). *Social support measurement and intervention: A guide for health and social scientists*. London: Oxford University Press.

Kenyon, S., Lyons, G., & Rafferty, J. (2002). Transport and social exclusion: investigating the possibility of promoting inclusion through virtual mobility. *Journal of Transport Geography*, 10(3), 207-219.

Gannon, B & Nolan, B (2007) The impact of disability transitions on social inclusion, *Social Science & Medicine* Volume 64, Issue 7, April 2007, Pages 1425-1437

Marmot, M. (۲۰۰۴) *Status Syndrome: how your social standing directly affects your health*, London: Bloomsbury.

Meininger, P. H. (2010), Connecting stories: A narrative approach of social inclusion of persons with intellectual disability, *Alter*, Volume 4, Issue 3, July-September, Pages 190-202

Novo-Corti, M. I. (2010). Attitudes toward disability and social inclusion : an exploratory analysis. *European Research Studies Journal*, 13(3), 83-107.

Levitas, R., Pantazis, C., Fahmy, E., Gordon, D., Lloyd, E., & Patsios, D. (2007). *The multi-dimensional analysis of social exclusion*. Bristol: Department of Sociology and School for Social Policy, University of Bristol.

- Opoku MP, Alupo BA, Gyamfi N, Odame L, Mprah WK, Torgbenu EL, Badu E. The Family and Disability in Ghana: Highlighting Gaps in Achieving Social Inclusion. DCID [Internet]. 2018 Mar. 16 [cited 2023 Aug. 16];28(4):41-59. Available from: <https://dcidj.uog.edu.et/index.php/up-j-dcbrid/article/view/277>
- Walker, R. J., & Walker, B. P. (1997). In Levinas, Emmanuel & et al., (2007). Sociality and money. *Journal of Business Ethics*, 81(3), 545–553.
- Weisskopf. Thomas E. (2006). Is Positive Discrimination a Good Way to Aid Disadvantaged Ethnic Communities? *Economic and Political Weekly* 41(8):717-726
- Wolfensohn, J.D. 2002. Poor Disabled and Shut Out. *Washington Post*. December. World Health Organization (2015), WHO global disability action plan 2014-2021. Better health for all people with disability.